

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

تیمور شاه تیموری  
المان - 30 اگست 2011

## یادی از کابل

این ترجیعند در سه قسمت تقدیم میگردد

(قسمت سوم)

آمد بهار و موج گل از هر طرف دمید  
خوشنود مردمان ز خوشی نعره میزدند  
اما به فور یأس بر امید چیره شد  
دیو نفاق چو ابر سیه سایه برفگند  
مردان عالم متبحر به روزگار  
زین رو عذاب دیده مسلمان داغدار  
در هر کنار و کنج جهان تا که بنگری  
افغان با کمرکتر و باعزت و وقار  
تاراج گشت شهر و بسی خانه ها بسوخت  
آن شهر باوقسار و نگین پرافتخار  
مرکوب خسروانه ز مشرق سر رسید  
که ایام درد و رنج و الم گشت ناپدید  
یاران پر امید همه گشت ناامید  
از هر طرف صدای من و تو بشد پدید  
شمشیر برکشیده برادر کنند شهید  
آواره هر طرف شد و هر سوی سرکشید  
افغان بی پناه به هر کوی و در رسید  
در ملک این و آن به روالی بیارمید  
زین مردم بلاکشیده بدتر کسی ندید  
مجروح و پرشکسته بخاک و بخون تپید

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خدا میسپارم

کابل بگو برای چه بی پا و سر شدی؟  
خاکم بسر ز بهر چه؟ خاکت بسر شدی  
کانون علم بودی و عرفان نمود تو  
اکنون چرا؟ بی معرفت و بی هنر شدی  
چون گوهـری بُدی تو در قلب آسیا  
حالا دگر ز هر صدفی بدتر شدی  
با عـز و اعتبار بودی داشتی وقار  
بی عز و اعتبار و بی شان و فر شدی  
گویند کوکنار بکشتی ز حد فـزون  
در کشت کـوکنار بسی نامور شدی  
اولاد دوستدار و فـسادار صداقت  
در شهر و هر دیار به عزم سفر شدی  
موزیـم تو بود یکی گنج بی بها  
آثار باستان عرضه به بازار زر شدی  
نی باغ و بوستان بدیـار تو نی بهار  
پژمرده و نحیف چو یک مشت پر شدی  
الحاصل آنچه بودی تو امروز نیستی  
در دست این و آن به زیر و زبر شدی

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خـدا میسپارم